

پیامدهای دگرگونی شیوه زندگی در معماری داخلی*

مورد کاوی خانه‌های قاجار و پهلوی اول شهر تبریز

لیلا صفری اصل^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

چکیده

مفهوم شیوه زندگی بطور کلی و عام، مجموعه‌ای جامع و منسجم است که در بطن خود، مولفه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را می‌پروراند و در شکل‌گیری الگوهای رفتاری، گرایش‌های ذهنی و فضای زندگی افراد جامعه تاثیر عمیقی دارد. به‌علت دگرگونی‌های اساسی در ساختار جامعه و شیوه زندگی در طول دوران قاجار و پهلوی اول و پیوند مستقیم و محکمی که میان شیوه زندگی و معماری خانه وجود دارد، در این پژوهش امکان مطالعه و بررسی سیر تاثیر آن بر خانه‌های دوره قاجار و پهلوی اول شهر تبریز فراهم شده است. بنابراین هدف از این پژوهش، بررسی شناخت و تاثیر عوامل موثر جامعه بر روند تغییرات شیوه زندگی و به‌تبع آن بر الگوهای معماری خانه‌ها و تحلیل و تشریح چگونگی تغییرات بوده است. بدین‌ترتیب به روش توصیفی-تفسیری، از طریق مشاهدات میدانی و کتابخانه‌ای، ۴۵ خانه از خانه‌های دوره قاجار و پهلوی اول شهر تبریز که امکان بازدید و جمع‌آوری مدارک وجود داشت، انتخاب شد و بررسی‌های مربوط صورت گرفت. در گام بعدی برای دستیابی به هدف پژوهش، در خانه‌های مورد مطالعه فضاهای (حیاط، ورودی، ایوان، حوض‌خانه، طنبی، کله‌ای و پله) در قالب الگوهای در سه‌نظام کالبدی (محل قرارگیری، انتظام‌شکلی و دسترسی) موردتوجه قرار گرفتند و الگوهای آنها باهم‌دیگر مقایسه شدند. از بررسی یافته‌ها این نتیجه حاصل شد که با وجود تفاوت‌ها و تغییراتی که از اواسط دوره قاجار در خانه‌های تبریز به مرور به وجود آمد، خانه‌های دوره قاجاری پیوند قوی با سنت‌های گذشته دارند و از روحیه واحدی برخوردارند. در واقع می‌توان گفت روند تغییر خانه‌ها از اواخر دوره قاجار و مخصوصاً دوره پهلوی اول به‌علت تغییر حکومت از قاجار به پهلوی و شروع تجدید امرانه رضاشاه شدت گرفت. این تغییرات ابتدا در پوسته بیرونی خانه‌ها و در جبهه‌های غیر اصلی خانه آشکار و به‌تدریج به جبهه‌های اصلی خانه و به مولفه‌ها و فضاهای خانه منتقل شد. به‌عبارت‌دیگر ابتدا به‌صورت تزئینات در خانه‌ها نمایان و به مرور با حذف بعضی از فضاها صورت گرفت.

واژگان کلیدی: شیوه زندگی، خانه، قاجار، پهلوی اول، تبریز

۱. کارشناس ارشد معماری، گرایش مطالعات معماری ایران، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

ایمیل نویسنده: Safari.l@ut.ac.ir

* این مقاله برگرفته از رساله ارشد نویسنده با عنوان «بررسی الگوها و ریشه‌های تغییرات خانه‌های تاریخی شهر تبریز در دوره قاجار و پهلوی اول» که در دانشگاه تهران تحت راهنمایی دکتر پیروز حناچی و به مشاوره دکتر سعید خاقانی و دکتر احد نژاد ابراهیمی به انجام رسیده است.

مطالعه معماری خانه به علت ارتباط تنگاتنگی که با ابعاد مختلف زندگی انسان و جامعه دارد از یک سو نیازمند شناخت کالبدی و فهم پژوهشگر از فضا، عملکرد، ارتباطات و کیفیت فضایی و از سوی دیگر نیازمند شناخت رابطه میان ساکنین و فضا است. به عبارتی می‌توان گفت رابطه متقابل و دوسویه خانه و جریان زندگی، به خانه هویتی فراتر از یک کالبد می‌بخشد؛ لذا برای فهم خانه، فهم رابطه انسان و خانه ضروریست و برای فهم شیوه زندگی افراد جامعه، خانه یکی از اصلی‌ترین بسترهای بروز آن است.^۱ تحولات زمانی بین دو دوره قاجار و پهلوی اول در ایران، همراه با دگرگونی‌های مختلفی نظیر؛ تغییر در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است که تمامی جوانب زندگی جامعه آن دوران را تحت‌تأثیر قرار داده است. به تبع این عوامل، شیوه زندگی مردم و به تبع آن معماری خانه‌ها تحت‌تأثیر و تحول قرار گرفته است. بدین ترتیب در این دوران با تغییراتی در شکل خانه‌ها در ارتباط با شیوه زندگی مواجه هستیم که نیازمند واکاوی دقیق‌تر است. شهر تبریز به علت موقعیت ژئوپلیتیکی خاص و جایگاه ارزشی در دوره‌های قاجار و پهلوی و همچنین دارا بودن نمونه‌های بسیار از خانه‌های تاریخی از دوره‌های مختلف، نه تنها امکان بررسی در این بازه زمانی را فراهم می‌کند؛ بلکه به علت فقدان یک پژوهش کامل از خانه‌های تاریخی تبریز، انتخاب و با استفاده از روش توصیفی - تفسیری مورد بررسی قرار می‌گیرند. این پژوهش بر مبنای این سؤال که «تغییرات شیوه زندگی در گذر زمان، چه تأثیری بر الگوی خانه در این دوران داشته است؟» شکل گرفته و در صورت تأثیر بر الگوی خانه‌ها سؤال دوم پژوهش؛ «تغییرات شیوه زندگی و تأثیر آن در معماری داخلی خانه‌های تبریز در دوره‌های قاجار و پهلوی اول، تابع چه عواملی در جوامع آن دوره‌ها بوده‌اند؟» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بدین ترتیب یکی از مفاهیم مهم در واکاوی معماری خانه‌ها پیوند بین معماری خانه و شیوه معیشت و سبک زندگی مردم است. برای فهم رابطه بین آنها نیازمند یک مطالعه جامع است که از شناسایی و بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر تغییرات شیوه زندگی و معماری داخلی خانه‌ها در بازه زمانی قاجار تا پهلوی اول، بتواند چگونگی و چرایی تغییرات در کالبد فضایی خانه‌ها را تشریح و ارائه کند؛ بنابراین در بخش اول پژوهش، تلاش بر آن شد به روش توصیفی مفهوم خانه و شیوه زندگی بررسی شود که بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای محقق شد. در گام بعدی نمونه خانه‌های مورد مطالعه (۴۵ خانه) شناسایی و از طریق برداشت میدانی و کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفتند. سپس برای نیل به هدف پژوهش، مؤلفه‌های تغییردهنده شیوه زندگی و بازتاب آن در معماری خانه‌ها ارائه و در نهایت برای دستیابی به هدف اصلی پژوهش، چگونگی تأثیر عوامل بر الگوهای فضاهای تمامی خانه‌های مورد مطالعه در چهار دوره تاریخی؛ اوایل، اواسط و اواخر قاجار و پهلوی اول در بخش تحلیل و نتایج پژوهش مورد بررسی قرار گرفت.

پیشینه تحقیق

باتوجه به پژوهش حاضر و مطالعات موجود تعاریف و تعابیر متعددی برای مفهوم «شیوه (سبک) زندگی» توسط محققان علوم اجتماعی ارائه شده است. بوردیو از محققان معروف در حوزه علوم اجتماعی تأکید دارد که مفهوم شیوه زندگی بطور خاص به کیفیات زندگی، فعالیت‌ها و شیوه‌های خاص آن‌ها اطلاق شده که از منظر افراد، دربردارنده ایده‌آل‌های ایشان است. وی معتقد است که سبک زندگی، گونه‌ای نظام عملکردی است که دربردارنده طبقه‌ها و نشانه‌های متمایزکننده است.^۲ آدلر روانشناس آلمانی معتقد است، سبک زندگی، یعنی کلیت بی‌همتا و فردی زندگی که همه فرایندهای عمومی زندگی، ذیل آن قرار دارند. از نظر او سبک زندگی رفتار و منش نیست؛ بلکه امری است که همه رفتارها و تجربیات انسانی را هدایت می‌کند و خود به واسطه خوی‌ها و بینش فردی شکل می‌گیرد. در ادبیات جامعه‌شناسی، از مفهوم سبک زندگی دو برداشت و دو گونه مفهوم‌سازی متفاوت به عمل آمده است. در برداشت نخست که پیشینه آن به دهه ۱۹۲۰ باز می‌گردد، سبک زندگی، نشانگر ثروت و موقعیت اجتماعی بکار رفته است. در تلقی دوم سبک زندگی، نه راهی برای تعیین طبقه اجتماعی، بلکه شکل اجتماعی نوینی دانسته می‌شود که تنها در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد.^۳ در حوزه فرهنگ و انسان‌شناسی راپاپورت معتقد است که سبک زندگی هر فرد متأثر از دو عامل عمده است؛ شخصیت فرد و ویژگی‌های محیط. این ویژگی‌ها به طرق مختلفی بر سبک زندگی افراد اثر می‌گذارند. به صورت عام می‌توان گفت که اصطلاح سبک زندگی روشی که مردم انتخاب می‌کنند که چگونه رفتار کنند یا چگونه به فعالیتی بپردازند که دارای

شخصیت متمایز باشند.^۴

شیوه و سبک زندگی اغلب بیان روش زندگی مردم توأم با طیف کاملی از ارزش‌ها، عقاید و فعالیت‌های اجتماعی است که می‌توان گفت از الگوهای فرهنگی، رفتاری و عاداتی شکل می‌گیرد و افراد بطور روزمره آنها را در زندگی فردی و اجتماعی خود بکار می‌گیرند. در معنای عام و کلی، شیوه زندگی شامل فعالیت‌های روزانه است که شخص آن‌ها را در زندگی خود بکار می‌گیرد.^۵ آنچه در ماهیت سبک زندگی در محیط‌های ساخته شده اهمیت پیدا می‌کند آن است که سبک زندگی منحصر به یک فضا نیست، بلکه در مقیاس‌های مختلف و در محیط‌های گوناگونی پدید می‌آید، به همین سبب تنوع زیادی پیدا می‌کند.^۶ سبک زندگی تأثیر زیادی بر معرفی الگوهای رفتاری، گرایش‌های ذهنی و شیوه زندگی افراد یک جامعه دارد. به عبارتی، مفهوم سبک زندگی بطور ویژه معرف کیفیت زندگی افراد یک جامعه است و پیوند مستقیم و وثیقی با حوزه معماری دارد. به عبارت دیگر، برای فهم سبک زندگی افراد جامعه، خانه از کلیدی‌ترین کاربری‌ها و عوامل است. رابطه متقابل و دوسویه‌ای میان خانه و جریان زندگی ساکنانش وجود دارد؛ بطوری که هر کدام برای گشایش مفهوم خود با وجود دیگری معنا می‌یابد؛ لذا خانه فراتر از یک کالبد و ساختار فیزیکی است.^۷

وقتی واژه «خانه» به گوش می‌رسد، آنچه در ذهن جای می‌گیرد بدیهی و بی‌نیاز از تفسیر به نظر می‌رسد؛ ولی هرچند از نظرگاه‌های متعدد تعاریف گوناگونی درباره خانه، یعنی خصوصی‌ترین فضای زیست انسان، عرضه شده است.^۸ این پدیده، بخصوص در حوزه علوم اجتماعی و ارتباط آن با مفهوم سبک زندگی جای بحث بسیاری دارد. به زبان ساده‌تر؛ مفهوم خانه بسیار فراتر از آن چیزی است که مانند سرپناه، انسان امروز را در خود جای دهد. با این رویکرد، خانه فضایی است که در بردارنده کنش‌ها و واکنش‌های افراد ساکن در آن نسبت به یکدیگر بوده و عناصر و سازمان فضایی آن نسبت به شیوه زندگی، دائماً در حال تغییر است.^۹

در حوزه علوم اجتماعی نیز مطالعات مختلفی در مورد مفاهیم خانه انجام شده است. در این حوزه خانه به‌عنوان یک پدیده اجتماعی بررسی شده است تا یک پدیده کالبدی. مطالعات نشانگر آن است که مفهوم خانه برای هر انسان متأثر از تجربه فردی و تجربه فرهنگی است. از این رو، ابعاد فرهنگی خانه جز اصلی این مفهوم است. حتی برخی خانه را محصول ترکیب ساختار اجتماعی و سیاسی جامعه می‌دانند. در واقع خانه، غایی‌ترین مکان و کالبد برای نمایش تمام‌عیار سبک زندگی آدمی است، در واقع خانه محمل قرارگاه‌های رفتاری گسترده فعالیت‌های زندگی است.^{۱۰} به عبارتی، خانه و محل سکونت آدمی کالبدی است که نشانی از خود فردی و جمعی منعکس می‌سازد.^{۱۱} همچنین می‌توان گفت خانه، تنها یک فضای فیزیکی نیست که افراد در آن زندگی می‌کنند، بلکه فضایی برای برقراری روابط اجتماعی و انجام آداب و رسوم است. خانه، ارزش‌های نامحسوس فرهنگی را نمایش می‌دهد که امکان استفاده از فضاهای انتخابی را مرزبندی و محدود می‌کند.^{۱۲} بنابراین می‌توان گفت خانه، پدیده‌ای اجتماعی است و چیدمان و نوع فضاها و همچنین شکل ظاهری آن از عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تأثیر می‌پذیرد. کارکرد اصلی خانه، پاسخ‌گویی به سبک زندگی انسان است و در این بین، روابط اجتماعی در چارچوب فرهنگ و سبک زندگی حاکم انجام می‌شود. به بیان روشن‌تر، تأثیر خانه بر سبک زندگی و شکل دادن به هویت فرد، جنبه‌ای تقریباً نهفته از رابطه بین سبک زندگی و خانه است.^{۱۳}

بدین ترتیب مطابق با مطالعات صورت‌گرفته در حوزه‌های مختلف در باب مفهوم شیوه زندگی و خانه، رابطه متقابل و جدانشدنی بین خانه و مفهوم شیوه زندگی وجود دارد. همچنین در شکل‌گیری خانه و شیوه زندگی مفاهیم و مؤلفه‌های مختلفی تأثیرگذارند. در این راستا، علاوه بر شناخت مفهوم شیوه زندگی و خانه، شناخت بستر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران دوره قاجار و پهلوی نیز ضروری است.

مبانی نظری

پژوهش در حیطه موضوعات مرتبط با خانه گستره وسیعی دارد و در حوزه‌های مختلف به چشم می‌خورد. با این وجود می‌توان آنچه رابطه متقابل و دوسویه خانه و کالبد آن با جریان زندگی ساکنانش و مؤلفه‌های تغییردهنده آن است را مرتبط با موضوع پژوهش دانست. در ادامه به این حوزه در مطالعات نظری پژوهش پرداخته خواهد شد. تعاملات شیوه زندگی و خانه

برای شناخت جامعه معماری در شرایط مشخص تاریخی و جغرافیایی باید ابتدا به شناخت بستر مکانی و زمانی، یعنی به دوره‌های قاجار و پهلوی اول پرداخته شود. در واقع برای شروع تحلیل یک اثر معماری باید ابتدا شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دوره تاریخی نیز تبیین شود. جامعه هیچ‌گاه به‌طور کامل ایستا و بدون تغییر نبوده است. دوره قاجار و پهلوی اول ایران شاهد مجموعه‌ای از دگرگونی‌های اساسی بوده است. به عبارتی می‌توان بیان کرد: تغییرپذیری در شیوه زندگی، شکل و ساختار بناها در راستای تغییرات جامعه است و اکثر بناها در طول زمان متحول می‌شوند و با تغییرات جامعه، تغییرات کالبدی در آن‌ها رخ می‌دهد. این تغییرات نتیجه کنش‌ها و واکنش‌های عواملی بودند که در بطن جامعه اتفاق افتاده بوده‌اند.

در بطن جریان تحول نظام سنتی اقتصادی و اجتماعی در ایران، به‌تدریج برخی از ویژگی‌ها ظاهر گردید و کم‌کم نفوذ مناسبات سرمایه‌داری و گسترش حیطه قدرت غرب در ساخت سنتی اقتصادی و اجتماعی ایران نتایج در خور توجهی برجای گذاشت. آغاز نفوذ و تسلط دولت‌های اروپایی در ایران و بیداری ایرانیان، موجب تغییر ساختمان طبقاتی جامعه و روابط اقشار و طبقات شد و در نتیجه دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وسیعی را در پی داشت.^{۱۴} دگرگونی‌های ایجاد شده در پی تعامل با دنیای غرب، تأثیر شگرفی بر تغییر ذائقه در چگونگی و شکل سکونت مردم در خانه‌ها نهاد. در ادامه به بیان عوامل و مؤلفه‌های که در ایجاد این تغییرات می‌توانستند مؤثر باشند، پرداخته شده است.

● عوامل فرهنگی - اجتماعی

عوامل بسیاری موجب پدید آمدن یک سبک و سپس اوج‌گیری با نزول آن در زندگی و اجتماع می‌گردند. این عوامل تا حدودی خارج از کنترل دولت‌ها هستند و به‌شدت تأثیرپذیر از تحولات فرهنگی و اجتماعی و تغییرات در انگیزش‌ها، رجحان‌ها و الگوهای رفتاری افراد جامعه می‌باشند. شیوه زندگی هرچند ابتدا امری مبتنی بر انتخاب‌های فردی و متکی بر هویت‌های شخصی است، ولی آن را به‌خصوص در مرحله عمومی شدن نمی‌توان بی‌توجه به بافت اجتماعی و فرهنگی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.^{۱۵} در عرصه فرهنگی و اجتماعی می‌توان از عوامل شکل‌گیری مدارس نوین، تغییر جایگاه زنان، تضعیف نقش مذهب و ایجاد طبقه جدید نام برد که تغییرات ایجاد شده در این عوامل، تغییرات در شیوه زندگی و تغییر معماری خانه‌ها را به دنبال داشته است.

از عوامل مؤثر در تغییر نظام اجتماعی و زیست مردم می‌توان به تحول در نظام آموزشی اشاره کرد. بحث شکل‌گیری مدارس نوین و آموزش از نیمه قرن نوزدهم میلادی توسعه پیدا کرد و به‌خصوص در دوره پهلوی اول به علت آموزش همگانی وارد فاز جدیدی گردید. مدارس نوین که ابتدا توسط مبلغان غربی تأسیس شده بودند در ظاهر تلاشی برای تغییر دین و آیین مردم نداشتند؛ ولی تأثیر زیادی بر تغییر شیوه زندگی مردم داشتند.^{۱۶} گسترش آموزش در سطوح بالاتر شامل زنان نیز شد و باعث تغییراتی در جایگاه ارزشی زنان در جامعه شد که تحولاتی در نظام خانواده و شیوه زندگی و در پی آن در سازمان فضایی خانه ایجاد نمود.^{۱۷}

با کاهش و تضعیف اعتقادات مذهبی، ارزش‌ها و باورها که در پی ارتباط با دنیای غرب و اروپائیان از اواخر دوره قاجار شروع و با اقدامات سکولاری رضاشاه در جامعه به اوج خود رسید، تغییراتی در شیوه زندگی و فضاهای خانه‌ها ایجاد کرد. تحولات به‌صورت تدریجی فاصله و حریم زنانگی در شیوه زندگی نوین را کم‌رنگ کرد و عقاید و باورهای بومی و سنتی چگونگی زیستن جای خود را به عرفی‌گرایی و علم باوری داد.^{۱۸} به عبارتی محرمیت در خانه‌های قاجاری، فضاهای زنانه و مردانه مجزایی را تعریف می‌کرد که بر پایه فرهنگی، شیوه زندگی و باورهای مذهبی بوده است. با تضعیف نظام ارزش‌ها و باورهای مذهبی از اواخر دوره قاجار و به‌خصوص از دوره پهلوی اول تغییراتی از جمله؛ از بین رفتن فضاهای زنانه و فضاهای رابط و سلسله‌مراتبی در ساختار خانه‌ها دیده می‌شود.

با گسترش و تمرکز بوروکراسی در کشور، از طریق ایجاد مشاغل جدید و استخدام، طبقه جدیدی پدیدار شد که مستقل شدن جوانان را در پی داشت. طبقه جدید که حاصل تغییر مدیریتی کل نظام اجتماعی بود، شیوه نوین زندگی را ایجاد کرد که با نظام قومی و طایفگی تفاوت اساسی داشت. در این الگوی جدید، نظام خانواده گسترده به سمت خانواده‌های هسته‌ای و خانواده‌های تک‌همسری و منفرد تمایل پیدا کرد و نشانه‌های اولیه جدایی نسل‌ها روزبه‌روز فزونی نهاد. ساختار خویشاوندی در این الگوی زندگی نوین نه بر اساس نظام طایفگی و نسبت‌های نسبی و سببی، بلکه بر اساس موقعیت و منزلت اجتماعی در دستگاه حکومتی تعریف می‌شد. این طبقه نوظهور بیشتر تمایل به تمایز

و تشخص اجتماعی داشتند.^{۱۹} از این رو، می‌توان گفت در یک محیط ثابت، وجود اختلاف‌های فرهنگی، اجتماعی سبب تغییراتی در شیوه زندگی و الگوهای سکونت و مسکن افراد می‌شود.

● عوامل سیاسی - اقتصادی

یکی از عوامل تحول شیوه زندگی و به تبع آن معماری خانه‌ها، تحولات سیاسی و اقتصادی در جامعه دوره قاجار و پهلوی اول می‌باشد. در واقع تناظر و همبستگی علی میان این دو روند وجود دارد، به گونه‌ای که تحولات مدرن و نوسازی در جامعه ایرانی در این دوران، عاملی اثرگذار بر تحولات شیوه زندگی است. به عبارتی تغییراتی که در پی مدرنیزاسیون از دوره قاجار در جامعه ایجاد شد، سبب گردید که جامعه از زندگی جوامع سنتی خود فاصله بگیرد. آغاز نفوذ و تسلط دولت‌های اروپایی در ایران و بیداری ایرانیان، موجب تغییر ساختمان طبقاتی جامعه و روابط اقشار و طبقات و در نتیجه دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی وسیعی را در پی داشت.^{۲۰} متعاقب آشنایی ایرانیان با غرب، اندیشه انجام اصلاحات در میان نخبگان حکومتی و نخبگان دانش‌آموخته شکل گرفت. این نخبگان عمدتاً از طبقات بالای جامعه شامل درباریان، فرزندان اعیان، تجار ثروتمند و اشراف روحانیت بودند که توانایی مسافرت به اروپا و تحصیل در آن کشورها را داشتند.^{۲۱}

همچنین از عوامل تأثیرگذار و وابسته که به صورت‌های مختلف در شیوه زندگی و تغییرات فضاهای خانه‌ها مؤثر بوده است، شرایط اجتماعی، منزلت و شأن اجتماعی صاحب‌خانه می‌باشد. از نگاه بورديو، جایگاه فرد در ساختار اجتماعی بیانگر میزان بهره‌مندی شخص از سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است؛^{۲۲} لذا سبک و شیوه زندگی اقشار مختلف تحت تأثیر جایگاه طبقاتی آنها قرار دارد. هر یک از طبقات اجتماعی، نسبت به شان و جایگاه طبقاتی و اقتصادی خود در برابر کسب اندیشه‌ها و عناصر نو مواجهه‌های گوناگونی داشتند. افراد بالای جامعه الگوهای جدید را، خیلی سریع می‌پذیرفتند و راحت خواستار تغییرات در شیوه زندگی خود و ساختار و کالبد خانه‌های خود بودند. در واقع تفاوت در قشرهای اجتماعی و اقتصادی می‌تواند در نوع رفتار افراد، قدر و منزلت آنها در جوامع، الگوی مصرفی و مدیریت اقتصادی افراد در قالب مؤلفه‌های شیوه زندگی تأثیرگذار باشد.^{۲۳} به عبارتی طبقه اعیان و تجار نسبت به سایر گروه‌های اجتماعی نسبت به پذیرش الگوی زندگی غربی آمادگی بیشتری از خود نشان می‌دادند. افزایش سرمایه اقتصادی در این طبقه از گروه اجتماعی، باعث اثربخشی در نهاد اجتماعی و فرهنگی جهت پذیرش الگوی نوین شیوه زندگی به تبعیت غرب شد و خانه‌های این گروه نیز نشان از تجدد و تمایزطلبی را نسبت به سایر گروه‌های اجتماعی را داشت.^{۲۴}

سبک زندگی نه تنها راهی برای تعیین طبقه اجتماعی، بلکه شکل اجتماعی نوینی دانسته می‌شود که تنها در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته و فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد.^{۲۵} مصرف‌گرایی کم‌کم از اواخر دوره قاجار بر زندگی خانواده‌های ایرانی سایه افکند و یک جامعه مصرفی ایجاد کرد. از این رو به تدریج نوع جدیدی از جامعه توسعه یافت؛ جامعه‌ای که اساس آن در اشتیاق به چیزهای جدیدی قرار داشت که نظام اقتصادی مشتاق تداوم آنها بود. تأثیر عمده تحول ساختار اقتصادی در سبک زندگی را می‌توان در نقش لوازم و تجهیزات و اشیاء در زندگی و مصرف‌گرایی به شیوه زندگی اشاره کرد. ورود مبلمان و لوازم‌خانگی به خانه‌های سنتی باعث شد که این اشیاء جای بعضی از فضاها را در انتظام فضایی خانه بگیرند. از سویی دیگر، استفاده از مبلمان، باعث تغییر ماهیت فضاها و چند عملکردی به تک عملکردی شد؛^{۲۶} بنابراین می‌توان گفت الگوی مصرف، نوعی شیوه زندگی است و به سخن دیگر، الگوی مصرف مردم را در جوامع از یکدیگر متمایز می‌کند و سبب تغییر شیوه زندگی افراد و به تبع تغییر در خانه‌ها می‌شود.

● عوامل شهری و معماری

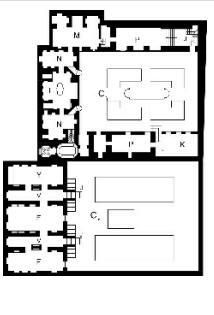
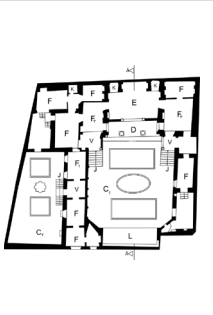
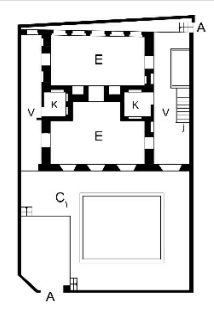
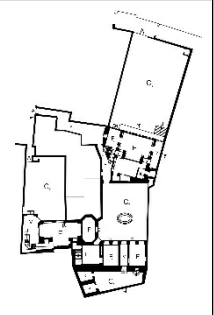
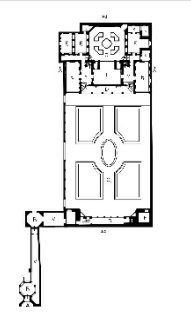
از دیگر عوامل مؤثر در تغییر الگوی شیوه زندگی، تحول در نظام شهری و مداخلات گسترده در عرصه شهرسازی بر اساس الگوهای شهرسازی اروپایی بود.^{۲۷} آغاز تحولات به سبک نو در شهرسازی ایران، به دوره قاجار باز می‌گردد. در این دوره، به تبع آشنایی با کشورهای اروپایی، جامعه ایرانی در جنبه‌های گوناگون حیات خود، از آنها تأثیر پذیرفت؛ از جمله این تأثیرات، تغییراتی بود که در شهرسازی ایرانیان اتفاق افتاد.^{۲۸} تغییرات در شهرسازی که از دوره قاجار شروع شده بود با قدرت‌گیری رضاشاه به اوج خود رسید و تغییرات گسترده‌ای در شهرها ایجاد شد. با شکل‌گیری بلدیه و تنظیم مقررات و ضوابط برای ساخت بناها و شهرها،

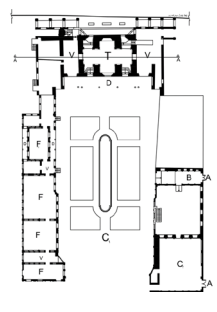
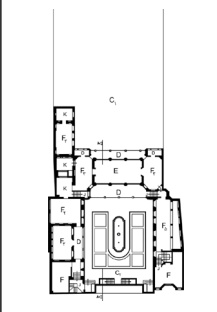
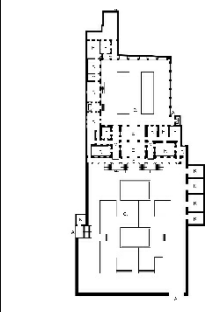
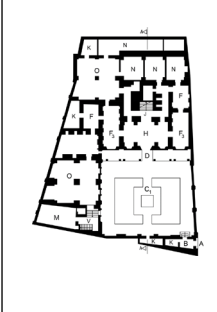
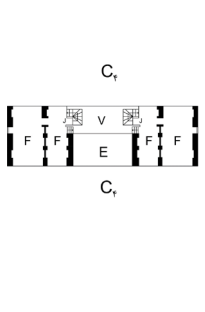
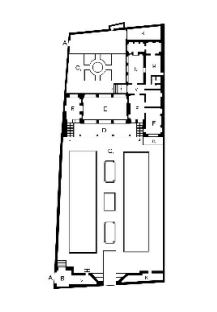
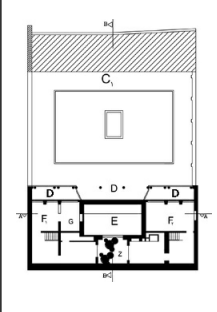
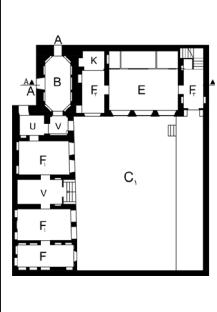
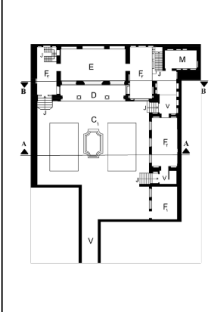
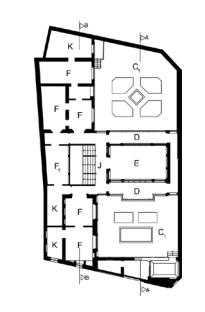
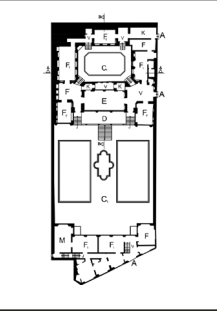
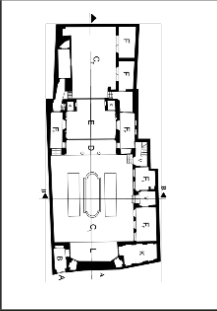
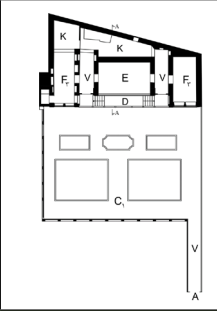
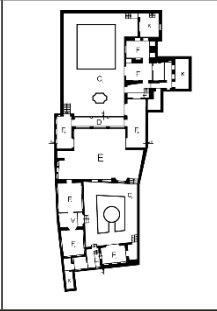
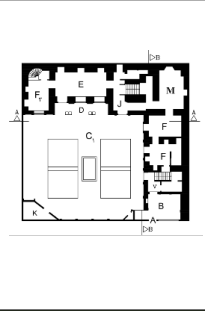
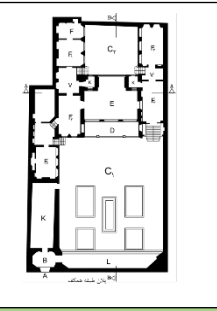
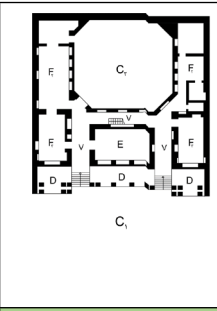
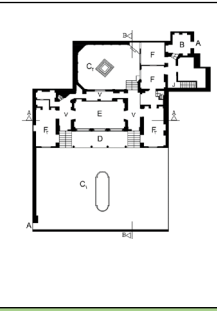
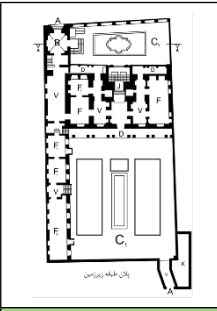
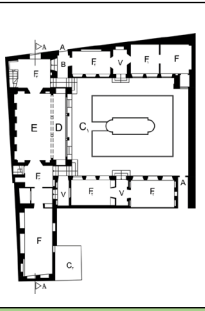
اصلاحاتی مانند نظافت و روشنایی معابر، تسطیح و توسعه خیابان‌ها و ساخت بناها در قالب بدنه‌سازی، امور خانه‌سازی را به سمت بروکراتیک شدن خانه سوق داد.^{۲۹} نوسازی شهری به شکل عمده در احداث «خیابان‌ها» نمایان شد و خیابان به عامل اصلی هویت‌بخش شهر تبدیل شد. البته، علت اهمیت یافتن خیابان در الزامات جدید نوسازی نظیر سیمای مدرن شهری، وسایل حمل و نقل مدرن و کالاهای جدید بود که نیازمند فضایی متناسب با خود بود و ایجاد این فضا نیز نیازمند گسترش آن در بافت زندگی شهروندان بود و این امر خریداری و تخریب املاک شهروندان را برای تأمین فضای لازم برای خیابان‌ها الزامی می‌کرد.^{۳۰}

با ظهور کارکردهای جدید ناشی از مدرن‌شدن یا تحولات تکنولوژیک و سیاسی - اقتصادی و اجتماعی بعضی از عناصر شهری نقش و کارکرد خود را از دست دادند. در نتیجه این روند، نقش و کارکردهای جدیدی در عرصه شهرها ظاهر شد که خود عناصر جدیدی را در شهرها خواستار بود. با ورود اتومبیل شبکه راه‌های تنگ و باریک و پر پیچ‌وخم جای خود را به خیابان‌های شطرنجی منظم و عریض صلیبی شکل داد. با ظهور پاساژها و ساختمان‌های تجاری جدید در پیرامون خیابان‌ها، بازارهای سنتی نقش سابق خود را از دست دادند. به‌جای مدارس علوم دینی، مراکز آموزشی جدید از جمله دانشگاه‌ها و مدارس گسترش یافتند. با گسترش آب لوله‌کشی حمام‌های عمومی به نفع حمام‌های خصوصی کنار گذاشته شدند. نظام محله‌ای سبک قدیم ماهیت خود را از دست داد و محلات از هم گسیخته بی‌هویتی در درون بافت سنتی به وجود آمد. همچنین با پیشرفت فناوری نظامی، برج و باروهای شهرها فروریختند. در نتیجه رشد شهرها، مرکز شهر نیز دچار تحول شد و ساخت‌وساز و تغییر کاربری صورت گرفت و عناصر جدید از جمله؛ سینما، هتل، بانک‌ها و ادارات جدید شروع به رشد کردند و بافت سنتی از نظر اجتماعی - فرهنگی و جمعیتی در نتیجه تخلیه ساکنان ثروتمندتر رو به فرسودگی رفت.^{۳۱} به‌تناسب تغییرات گسترده در نظام شهرسازی، معماری خانه‌ها تحت‌تأثیر احداث خیابان‌ها نیز دچار تحول گردید. به عبارتی هرچند تغییر در چهره شهرها از دوره قاجار شروع و در ابتدای پهلوی، تند و شتاب‌زده بود؛ اما خانه‌ها با تغییر کند و آرام از چهره‌های دورنگر به بروننگر متمایل گردیدند.

مطالعات و بررسی‌ها

تغییرات در شیوه زندگی در پی ایجاد تغییرات در جامعه دوره قاجار و پهلوی اول، معماری خانه‌ها را به‌صورت تدریجی تحت‌تأثیر قرار داد و الگوی ویژه‌ای از معماری خانه تجلی یافت. جهت بررسی الگوهای تحول‌یافته در مرحله اول ۴۵ خانه مربوط به دوره قاجار و پهلوی اول شهر تبریز مورد شناسایی قرار گرفت. در مرحله دوم الگوهای معماری خانه‌ها با توجه به ویژگی‌های خاص معماری و داشتن ویژگی‌های مشترک فضایی به چهار دوره اوایل، اواسط، اواخر قاجار و پهلوی اول دسته‌بندی گردید. معیار اصلی این دسته‌بندی زمانی، تغییر شیوه زندگی و تأثیر آن در معماری خانه‌ها می‌باشد.

				
خانه سلماسی- اوایل قاجار	خانه رحیمی- اوایل قاجار	خانه سیلابی- اوایل قاجار	خانه حریری- اوایل قاجار	خانه بهنام- اوایل قاجار

				
خانه صدیقانی- اواسط قاجار	خانه قدکی- اواسط قاجار	خانه امیرنظام- اواسط قاجار	خانه مشروطه- اواسط قاجار	خانه امیرکبیر- اوایل قاجار
				
خانه نیکدل- اواسط قاجار	خانه کلکته‌چی- اواسط قاجار	خانه سرکراتی- اواسط قاجار	خانه علوی- اواسط قاجار	خانه حیدرزاده- اواسط قاجار
				
خانه سرخه‌ای- اواسط قاجار	خانه نقشینه- اواسط قاجار	خانه معبودی- اواسط قاجار	خانه مشکیان- اواسط قاجار	خانه نعمت‌زاده- اواسط قاجار
				
خانه بلورچیان- اواخر قاجار	خانه شربت‌زاده- اواخر قاجار	خانه ختایی- اواخر قاجار	خانه شربت‌اوغلی- اواخر قاجار	خانه حاج‌شیخ- اواخر قاجار

				
خانه کلاتری- اواخر قاجار	خانه صحتی- اواخر قاجار	خانه مجتهدی- اواخر قاجار	خانه گنجهای زاده- اواخر قاجار	خانه کمپانی- اواخر قاجار
				
خانه تغه الاسلام- اواخر قاجار	خانه خیابانی- اواخر قاجار	خانه حداد- اواخر قاجار	خانه علی مسیو- اواخر قاجار	خانه صلجو- اواخر قاجار
				
خانه ناصح زاده- پهلوی اول	خانه گوهریون- پهلوی اول	خانه ساوجبلاغی- پهلوی اول	خانه عهدی- اواخر قاجار	خانه امیر یوز- اواخر قاجار
				
خانه رستگار- پهلوی اول	خانه اردوبادی- پهلوی اول	خانه اعتماسی- پهلوی اول	خانه لاله ای- پهلوی اول	خانه نیشابوری- پهلوی اول
راهنمای جدول:				
① جهت شمال				
A: ورودی B: هشتی V: دالان و راهرو C1: حیاط بیرونی C2: حیاط اندرونی D: ایوان E: طنبی G: کله ای F: اتاق F1: دو دری F2: سه دری F3: اتاق گوشوار T: حوض خانه S: مهتابی N: سرداب Y: حمام Z: راه پله P: آب انبار K: فضای خدماتی				

جدول ۱: خانه های تاریخی مورد مطالعه تبریز (مأخذ: نگارنده)

تغییر در شیوه زندگی در شهر تبریز دوره قاجار و پهلوی اول ریشه در تحولاتی دارد که در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و کالبدی و مدیریتی شهر و جامعه اتفاق افتاده است. این تحولات در رفتار و گرایش‌های مردم تغییراتی اساسی را سبب شد و تجلی تجدد شیوه زندگی خانگی در قالب تحول در عرصه معماری خانه‌ها بازنمایی گردید. در این بخش از پژوهش، قصد بر این است که چگونگی تأثیر تغییرات شیوه زندگی بر تغییرات معماری خانه‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد.

خانه‌های تاریخی تبریز پیوند قوی با سنت‌های گذشته دارند و از روحیه واحدی برخوردارند. ولی با ارائه الگوهای کالبدی خانه‌ها و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، تفاوت‌هایی در طول زمان ایجاد، آشکار و قابل تشخیص شده است. این تغییرات در کالبد خانه‌ها و مخصوصاً در بیکره‌بندی و سازمان فضایی خانه‌ها در طول این دوران، ایجاد شده‌اند. در واقع تغییر در شیوه زندگی در شهر تبریز، به صورت تدریجی معماری خانه‌ها را تحت تأثیر قرار داده و الگوهای ویژه‌ای از معماری خانه تجلی یافته است. همان گونه که بیان شد هر تغییر و تحولی در جامعه در معماری و بخصوص معماری خانه‌ها که محل زندگی انسان‌ها می‌باشد، تأثیر دارد. براساس آنچه که از روند تغییر عوامل بر می‌آید می‌توان گفت هر یک از عوامل نه تنها به تنهایی بر تغییرات خانه‌ها تأثیر گذارند، بلکه تمامی عواملی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، شهری و معماری بر یکدیگر تأثیر گذاشته و مجموعه تأثیرات متقابل آن‌ها بر الگوی خانه‌ها اثر گذارند. جهت بررسی چگونگی تأثیر، تغییر شیوه زندگی در خانه‌ها در مرحله اول مورد شناسایی قرار گرفت. در مرحله دوم الگوهای معماری بر اساس ویژگی‌های مشترک فضایی به چهار دوره اوایل، اواسط، اواخر قاجار و پهلوی اول دسته‌بندی گردید.

بازنمایی تغییرات در خانه‌های مورد مطالعه

● عوامل فرهنگی - اجتماعی

از عوامل مؤثر در تغییر نظام اجتماعی و زیست مردم می‌توان به تحول در نظام آموزشی اشاره کرد. نظام نوین آموزشی ایران از اواخر دوره قاجار شروع شد و بخصوص در دوره پهلوی اول به علت آموزش همگانی وارد فاز جدیدی گردید. گسترش آموزش در سطوح بالاتر شامل زنان نیز شد و باعث تغییراتی در جایگاه ارزشی زنان در جامعه شد که تحولاتی در نظام خانواده و در پی آن در سازمان فضایی خانه ایجاد شد.^{۳۲} عصر قاجاریه سرآغاز جدیدی در حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زنان ایرانی است. معماری خانه‌های اوایل و اواسط قاجار به صورت دو بخش اندرونی و بیرونی که دارای ابعاد وسیع با زندگی چند خانواری و فامیلی (با تفکیک فضاهای مختلف زنانه و مردانه از هم) ساخته شده‌اند. همچنین طنبی‌ها در این دوران به صورت دوطبقه ساخته می‌شدند و زنان به علت محرمیت در فضاهای بالاخانه طنبی که به کله‌ای معروف بودند در هنگام برپایی مهمانی‌ها جمع می‌شدند. با گذشت زمان و با تغییر جایگاه زنان در جامعه و پذیرش حضور اجتماعی زن در جامعه و انجام فعالیت در بیرون خانه، مرز محرمیت و فضای زنانه و مردانه در خانه‌ها کاهش یافت بطوری که به مرور حیاط‌های اندرونی و فضاهای مجزا و رابط (هستی، کله‌ای و راهرو) از خانه‌های اواخر قاجار و پهلوی اول حذف شدند.

بر پایه فرهنگ، شیوه زندگی و باورهای مذهبی فضاهای زنانه و مردانه به صورت مجزا از همدیگر تعریف شده بوده‌اند که در خانه‌های اوایل و اواسط قاجار شهر تبریز به وضوح قابل شناسایی هستند. معماری خانه‌های اوایل و اواسط قاجار بازگویی این مطلب هستند که خانه‌ها از طریق حیاط‌های مرکزی درون‌گرا و استفاده از سلسله‌مراتب‌های ورودی (هستی و دالان) به عنوان فضای واسط، محرمیت و حریم که اهمیت داشت را تأمین می‌کردند. با تضعیف نظام ارزش‌ها و باورهای مذهبی از اواخر دوره قاجار و به خصوص از دوره پهلوی اول ارتباط قلمرو خارج خانه به داخل آن، در طراحی ورودی خانه‌ها دیده می‌شود، عناصر و سلسله‌مراتب ورودی نظیر هستی، دالان و... که همگی سعی در جداسازی حریم‌ها داشتند کم‌کم از ساختار ورودی خانه‌ها حذف شدند. همچنین ایجاد فضاها و حیاط‌های اندرونی و بیرونی نیز تحت تأثیر باور و اعتقادات مذهبی بوده است و با کاهش باورهای مردم و حضور مردان و زنان در کنار یکدیگر حیاط‌های اندرونی از سازماندهی فضاها حذف شدند.

با گسترش و تمرکز بوروکراسی در کشور که حاصل تغییر مدیریتی کل نظام اجتماعی بود، مشاغل جدید و استخدام طبقه جدید پدیدار شد که مستقل شدن جوانان را در پی داشت. با برخورداری از استقلال بیشتر، نظام خانوادگی گسترده و پدرسالارانه که در یک‌خانه با یکدیگر زندگی می‌کردند کم‌کم از بین رفت و به‌نظام خانواده هسته‌ای که کم‌رنگ‌شدن مرزهای زنانه - مردانه و تحول در ساختار خانه‌ها را در پی داشت، به وجود آمد. در واقع، همان‌طور که خانواده هسته‌ای کوچک‌تر و محدودتر و ساده‌تر از خانواده گسترده بود،^{۳۳} خانه‌ها بخصوص در دوره پهلوی اول نیز کوچک‌تر و ساده‌تر از خانه‌های دوره قاجاری شدند. به عبارتی؛ در پی این تحول، تعداد فضاهای خانه‌ها در خانه‌های اواخر قاجار و بخصوص در خانه‌های پهلوی اول کاهش یافت که کاهش ابعاد خانه‌ها و تفکیک عرصه و توده را باعث شد. به عبارتی طبقات اجتماعی شکل گرفته حاصل از نظم نوین اداری رضاشاهی و اختلاف طبقاتی ناشی از آن در کالبد معماری خانه‌های دوره پهلوی اول قابل رویت است.

● عوامل سیاسی - اقتصادی

با توسعه روابط بین ایران و غرب در عصر قاجار، روند گسترش و فراگیر شدن فرهنگ غرب سرعتی دوچندان یافت. حضور مستشاران، مبلغان دینی و متخصصان غربی در ایران و شهر تبریز تعامل آن‌ها با عموم مردم و بخصوص ارتباط قشر بالای جامعه با سفیران کشورهای غربی سبب تغییراتی در سبک زندگی شد. سفرهای مکرر تاجرهای تبریز به کشورهای غربی (بخصوص روسیه) و همچنین حضور اروپاییان به همراه خانواده در این شهر، گرایش‌های جدیدی را در جهت به میدان کشیدن زن ایرانی و همراهی او در مناسبت‌ها در کنار خانواده را فراهم کرد و زمینه‌های حضور زنان در کنار همسران خود در مجامع عمومی فراهم شد که افزایش ارزش وجودی زن را در پی داشت و چند همسرگزینی از طرف اعیان منسوخ شد. با رواج تک‌همسری، اندرونی‌های متعدد که برای زنان متعدد خانواده بود از بین رفت. در خانه‌های تبریز از اواسط دوره قاجار خانه‌ای با اندرونی متعدد وجود ندارد. از اواسط دوره قاجار در خانه‌هایی که محل اقامت تاجران و یا افراد وابسته به حکومت بودند (خانه‌های امیرنظام، علوی، سرخه‌ای و ساوجبلاغی) به علت ارتباط و مراوده با سفیران و افراد و یا سفر به کشورهای غربی بخصوص روسیه، در نمای خانه‌ها سنتوری ایجاد شده است. از اواخر دوره قاجار با زیادشدن ارتباط با کشورهای غربی بخصوص منطقه قفقاز و روسیه، معماری درون‌گرای خانه‌های تبریز رو به برون‌گرایی سوق پیدا کرد و پنجره و بالکن‌هایی رو به بیرون (معبّر و کوچک) در خانه‌ها ظهور یافت. همچنین استفاده از سرسرای ورودی با پلکان‌هایی که از وسط این سرسرا آغاز می‌شود و از پاگرد به دوشاخه در جهت مقابل یکدیگر به بالا ادامه می‌یافت، متأثر از معماری کشور روسیه بود و از دوره دوم قاجار یعنی از اواسط حکومت به بعد رواج یافت. اولین سرسرا در خانه‌های تبریز در خانه مشروطه که توسط معماری که ساکن روسیه بوده است، ساخته شده است.

همان‌طور که گفته شد تغییر در ابعاد سیاسی و آشنایی و ارتباط با دنیای غرب، سبب تغییراتی در ابعاد اقتصادی نیز شد. با برجسته‌شدن شأن اقتصادی افراد در جامعه، تمایز و تشخیص اجتماعی افراد تغییر یافت و ساحت اقتصادی، سبک زندگی در شهر تبریز را نیز دچار تغییراتی کرد. هر یک از طبقات اجتماعی، نسبت به شان و جایگاه طبقاتی خود در برابر کسب اندیشه‌ها و عناصر نو مواجهه‌های گوناگونی داشتند. تاجرهای بزرگ و ثروتمند به علت تجارت با کشورهای غربی و دارایشان و منزلت بالا، در مواجهه با الگوهای وارداتی، برای اینکه ثروت خود را به رخ بکشند، در مقابل الگوها نفی و مقابله نمی‌کردند و خیلی سریع و راحت خواستار تغییرات جدید در ساختار و کالبد خانه‌های خود بودند. در این پژوهش سعی شد، با توجه به اسناد، مدارک و پژوهش‌های صورت گرفته، جایگاه طبقاتی صاحبان خانه‌ها تا حدودی مشخص شود. بیشتر صاحبان خانه‌های مورد مطالعه از طبقه بالای جامعه و متعلق به طبقه تاجر بودند. خانه‌های (خانه امیر، امیرنظام، سرخه‌ای، کلانتری) متعلق به دولتمردان و خانه‌های (علی مسیو، ثقة‌الاسلام) متعلق به قشر سیاسیون (مشروطه‌خواهان) و دو خانه متعلق به طبقه روحانیون بوده است (حاج شیخ و مجتهدی). این عامل به صورت تأثیرات کالبدی در ورودی‌ها، فضاهای مهمان و بخش بیرونی خانه‌ها با نمای زیبا و کاربرد تزئینات فاخر و باشکوه، استفاده از الگوهای متمایز جهت تأکید بر هویت و جایگاه اجتماعی صاحب‌خانه (سنتوری‌ها در خانه‌ها فقط در خانه‌های متعلق به دولتمردان و تاجر رده‌بالا) دیده می‌شود. ولی با توجه به ظهور طبقه متوسط جامعه، و سرمایه کم صاحبان خانه، به علت عدم توانایی زیرزمین‌ها از خانه‌ها یا حذف شدند یا بخش زیرزمین در حداقل فضاها از لحاظ ابعاد و تعداد و مصالح و تزئینات ساخته شدند.

به تدریج با افزایش تکنولوژی و ارتباط با دنیای غرب، تجارت با خارجیان و واردات فراوان شد و تجارت کالا و خدمات سنتی در شهر روبه افول رفت و به جای آن کالاهای خارجی و لوکس فزونی یافت. در بین افراد اعیان تمایل به مصرف‌گرایی و اهمیت حضور اشیای ثابت در فضای خانه‌ها از اواخر دوره قاجار در خانه‌ها شاهد حذف فضاهای همچون حوض‌خانه و سرداب که در دوره‌های قبل برای نگهداری مواد غذایی استفاده می‌شد کم‌کم از بین رفت و جای خود را به یخچال و دیگر اشیاء دادند. در واقع حضور اشیاء و مبلمان ثابت در خانه که ابتدا به صورت تزئینات استفاده می‌شدند به انتظام فضاها وارد و سپس در نحوه عملکرد فضاها و همچنین باعث تخصصی‌شدن فضاها شدند، مثلاً حضور میبل در خانه‌ها، دیگر فضای طنپی که هم فضای حضور مهمان و نشیمن و خواب بود تبدیل به فضای نشیمن می‌شود یا با ورود پنکه، ایوان که محل استراحت ساکنان در ایام تابستان بود خانه‌های پهلوی اول زاید و اضافی می‌شود.

● عوامل شهری و معماری

از دیگر عوامل مؤثر در تغییرات معماری خانه‌های تبریز تحول در نظام شهری است. اولین اقدام در این عرصه در شهر تبریز، احداث خیابان پهلوی (امام خمینی فعلی) بود که در فاصله سال‌های ۱۳۰۵-۱۳۰۰ ش به فرمان پهماسبی فرمانده لشکر آذربایجان انجام گرفت. مهم‌ترین اقدام عمرانی بلدیة شهر تبریز احداث خیابان‌های منصور، خاقانی، فردوسی و تربیت بود که دیگر عناصر شهری را تحت تأثیر خود قرار داد.^{۳۴} ایجاد خیابان‌کشی‌ها در سطح شهر تبریز، سبب حضور شهروندان به صورت پیاده و یا با کالسکه و اتومبیل و مشاهده عابران از روی بالکن‌های طبقاتی فوقانی خانه‌ها، الگوی جدیدی از خانه‌ها را نوید داد. هیچ پدیده‌ای در تاریخ شهرسازی، به اندازه اتومبیل بافت و کالبد شهرها را تغییر نداده است. از اواخر دوره قاجار در خانه‌های مورد مطالعه عناصر و اجزای ورودی مانند؛ پیرنشین، پیش‌طاق و جلوخان از خانه‌ها حذف و شکل درگاه ورودی ساده‌تر گردید. یکی از دلایل حذف سکوها از جلوی خانه‌ها، خیابان و معابرکشی در عرصه شهری بوده است. اتومبیل سبب از بین رفتن مقیاس انسانی و مراکز محلات و همچنین تبدیل مقیاس انسانی به مقیاس اتومبیل شد. ثمره این تغییرات جمعیتی و کالبدی شهری در معماری مسکونی را می‌توان کوچک‌شدن مساحت خانه‌ها و قرارگرفتن در مجاورت خیابان‌ها دانست که باعث دگرگونی از حالت درون‌گرایی به برون‌گرایی خانه‌ها شد.^{۳۵} در بعضی از خانه‌های اوایل پهلوی شهر تبریز حیاط علاوه بر امکان حضور اعضای خانواده، فضایی برای اتومبیل‌ها هم شد. به این جهت، ورودی جداگانه و اختصاصی برای اتومبیل در نظر گرفته شد.

با مداخلات گسترده در عرصه شهرسازی، تحولات عظیمی نیز در عرصه بهداشت شهر صورت گرفت. آگاهی از وضعیت بهداشت عمومی در ایران دوره قاجار چندان روشن نیست. باین‌حال، از میان نوشته‌های سیاحان و مأموران خارجی، اوضاع نامناسب شهرها از نظر بهداشتی و شیوع بیماری‌ها را می‌توان استخراج کرد. در سال ۱۲۴۷ق/ ۱۲۱۰ش بیماری طاعون و در سال ۱۲۶۳ق/ ۱۲۲۵ش تا ۱۲۷۰ق/ ۱۲۳۲ش وبا در ایران شیوع یافت. این بیماری‌ها در تبریز باعث مرگ افراد بی‌شماری شد.^{۳۶} یکی دیگر از وضعیت‌های نابسامان بهداشتی در این دوران نبود آب آشامیدنی سالم و نبود لوله‌کشی آب در خانه‌ها می‌باشد. از سال ۱۳۰۶ ش، با ایجاد طرح آبله‌کوبی از سوی دولت و ساخت بیمارستان‌ها و همچنین تأمین آب شرب سالم بهداشت عمومی در شهر به تدریج رو به توسعه رفت. پخش آب از طریق لوله‌کشی سبک زندگی و ساختار فضاهای خانه‌های تبریز را متحول ساخت. در این روند لوله‌کشی و شیر آب در خانه‌های اعیان شهر، جایگزین چاه و آب‌انبار و شکل‌گرفتن حمام‌ها در خانه‌ها شد. همچنین در خانه‌های اوایل پهلوی به علت نفوذ بهداشت تغییراتی ایجاد شد. فضاهایی مانند مطبخ که زیرزمین یا به دور از فضاهای جمعی ساخته می‌شدند کم‌کم به عرصه‌های معیشتی خانه نزدیک‌تر شدند.

به دنبال تمرکز بوروکراسی در کشور و نوسازی و تغییرات کالبدی شهری در دوره پهلوی اول کاربری‌های جدیدی در شهرها ایجاد شد. کاربری‌هایی از جمله مهمان‌سرا و هتل، سینما و غیره سبب حذف کاربری سنتی خانه مانند غذا خوردن، محل تفریح و آسایش، محل ملاقات، اقامت مهمانان و محل جشن‌ها و کار از خانه‌ها شد و این کاربری‌ها به فضاهای شهری منتقل یافتند.^{۳۷} تا قبل از دوره اواخر قاجار مهمان از ارزش زیادی برخوردار بود؛ بنابراین طنپی‌ها در مرکز خانه‌ها و در راستای محور اصلی خانه‌ها ساخته می‌شدند و تا آن زمان کاربری‌های دیگری

برای اقامت مهمانان وجود نداشت و به فراخور قدرت صاحب‌خانه که با مهمان‌ها قرار ملاقات داشت طنبی‌ها در شکل و اندازه متناسب ساخته می‌شدند. از اواخر دوره قاجار و بخصوص دوره پهلوی اول، کاربری‌های مانند مهمان‌سرا در سطح شهر تبریز ساخته شدند که نشان از کاهش اهمیت فضای مهمان در خانه‌های دوره پهلوی می‌باشد که از محوریت اصلی خانه خارج و بازشوهایی در بدنه آن رو به حیاط یا معبر گشوده شد.

مؤلفه‌های اصلی تغییر	بازتاب در سبک زندگی	بازتاب در معماری داخلی خانه‌ها
عوامل فرهنگی - اجتماعی	شکل‌گیری مدارس نوین	کاهش مرز فضاهای زنانه، حذف فضاهای رابط (هشتی و دالان)، حذف کله‌ای‌ها
	دین‌زدایی (تضعیف نقش مذهب)	کاهش حریمیت، از بین رفتن فضاهای واسط
	پرووکراسی (ایجاد مشاغل و ظهور طبقه جدید)	کاهش ابعاد خانه‌ها، کاهش تعداد فضاها، تفکیک عرصه و توده
عوامل سیاسی - اقتصادی	آشنایی ایرانیان با دنیای غرب	ایجاد سرسرا، حذف‌شدن اندرونی متعدد، ایجاد سنتوری در نما، پنجره و بالکن رو به خیابان
	شان و منزلت اقتصادی و اجتماعی افراد	تأثیر کالبدی در ورودی‌ها، فضای مهمان و بخش بیرونی، الگوهای متمایز جهت تأکید بر هویت و جایگاه اجتماعی
	مصرف‌گرایی	حذف حوض‌خانه‌ها و سرداب‌ها، ایوان و تخصصی‌شدن فضاها
عوامل شهری و معماری	نوسازی شهری (خیابان‌کشی و ورود اتومبیل)	کاهش مساحت خانه‌ها، حذف سکوی‌های ورودی، ورودی اختصاصی اتومبیل
	بهبود وضع بهداشت	حذف‌شدن آب‌انبارها از خانه‌ها و ساخت حمام‌ها، نزدیک‌شدن مطبخ به فضاهای زندگی
	ایجاد کاربری‌های جدید	تغییر ماهیت چند عملکردی خانه (محل برای کار، جشن، خواب و زندگی و...) به تک عملکردی (محل برای خواب)

جدول ۲: چگونگی تأثیر عوامل مؤثر در جامعه بر شیوه زندگی و معماری فضاهای خانه‌های تبریز از دوره قاجار تا پهلوی اول (مأخذ: نگارنده)

نتیجه‌گیری

این پژوهش درصدد تبیین عوامل مؤثر بر تغییرات در شیوه زندگی و ساختار معماری خانه‌ها در خانه‌های دوره قاجار و پهلوی اول شهر تبریز بوده است. به‌طورکلی در این پژوهش سعی شده است که مؤلفه‌های اصلی شیوه زندگی در معماری خانه‌ها تحلیل شود. با دگرگونی اساسی در جامعه ایران، تغییراتی در شیوه زندگی و بازتعریف عرصه‌های جمعی و خصوصی و بخصوص معماری خانه‌ها ایجاد گردید. در واقع عوامل مختلفی در ایجاد تغییر در شیوه زندگی و معماری خانه‌ها تأثیرگذار بوده‌اند. با چنین باوری می‌توان گفت خانه، یک پدیده و کلای فرهنگی است؛ نهادی که حاصل کنش انسانی و عوامل چندساحتی که در راستای عوامل گوناگون ایجاد می‌شود و نه صرفاً ساختاری متأثر از امکانات و شرایط اقلیمی. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که خانه‌های دوره قاجار و پهلوی اول شهر تبریز نیز حاصل مجموعه‌ای از عوامل مختلف مانند عوامل فرهنگی - اجتماعی، سیاسی - اقتصادی و شهری و معماری بوده‌اند. با وجود تفاوت‌ها و تغییراتی که از اواسط دوره قاجار در خانه‌های تبریز کم‌کم به وجود آمد، خانه‌های دوره قاجار پیوندی قوی با سنت‌های گذشته دارند و از روحیه واحدی برخوردارند. در واقع می‌توان گفت روند تغییر و تحولات خانه‌ها از اواخر دوره قاجار و مخصوصاً دوره پهلوی اول به علت تغییر حکومت از قاجار به پهلوی و شروع تجدد آمرانه رضاشاه، شدت گرفت. این تغییر و تحولات ابتدا در پوسته بیرونی خانه‌ها و در جبهه‌های غیراصولی خانه آشکار شد و به تدریج به جبهه‌های اصلی خانه و به مؤلفه‌ها و فضاهای خانه منتقل شد. به عبارت دیگر ابتدا به صورت تزئینات در خانه‌ها نمایان و کم‌کم با حذف بعضی از فضاها مانند (کله‌ای‌ها، حوض‌خانه‌ها، هشتی‌ها و ایوان‌ها) صورت گرفت. با نزدیک‌شدن به دوره پهلوی اول سازماندهی فضایی خانه‌ها تغییر کرد و عنصر حریمیت

کم‌رنگ‌تر و فضاهای مجزای مردانه و زنانه مانند (حیاط‌های اندرونی، هشتی و دالان‌ها و فضاهای رابط) از خانه‌ها حذف شدند. به بیان دیگر؛ تغییرات ابتدا در نما و تزئینات سپس در فرم و سازمان فضایی (پلان) خانه‌ها آشکار شد. خانه‌ها از درون‌گرایی به برون‌گرایی تغییر یافتند، همچنین عناصری مانند سرسراها در سازمان فضایی خانه‌ها اهمیت یافتند و فضاهای مانند طنبی و ایوان‌ها اهمیت قبلی خود را ازدست‌داده و از محوریت اصلی خارج شدند؛ بنابراین تحول ماهیت خانه از اواخر دوره قاجار را می‌توانیم با کم‌رنگ‌شدن کیفیت و پررنگ شدن نقش عملکردی فضاها مشاهده کرد. در واقع به تدریج از این دوران (اواخر قاجار و بخصوص پهلوی اول) مفهوم خانه که کیفیت زندگی، آرامش و آسایش و غیره را در برداشت به مفهوم سرپناه تقلیل یافت و در خانه‌های امروزه به کل فراموش شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. (علی‌پور و همکاران، بررسی ارتباط عوامل مؤثر بر سبک زندگی و کالبد خانه معاصر در شهر مشهد، ص. ۶۹).
۲. (بورديو، تمایز، نقد اجتماعی، قضاوت‌های ذوقی، ص. ۲۴).
۳. (ایازی و همکاران، بررسی رابطه بین سبک زندگی و نظام اشیای خانگی از دیدگاه بورديو در مسکن معاصر، ص. ۱۶۵).
4. (Rappaport, House, Form and Culture, p.15).
۵. (یزدانفر و همکاران، الگوی مسکن ارومیه باتوجه‌به شیوه زندگی در گذر زمان)
6. (Rapapport, Using "Culture" in housing design).
۷. (علی‌پور و همکاران، بررسی ارتباط عوامل مؤثر بر سبک زندگی و کالبد خانه معاصر در شهر مشهد، ص. ۷۹).
۸. (براتی، بازشناسی مفهوم خانه در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی، ص. ۲۴).
۹. (موسوی و همکاران، تأثیر دگرگونی شیوه زندگی بر کالبد معماری و تزئینات خانه‌های مشهد در دوره انتقال، صص. ۳۰-۳۱).
۱۰. (علی‌پور و همکاران، بررسی ارتباط عوامل مؤثر بر سبک زندگی و کالبد خانه معاصر در شهر مشهد، ص. ۷۳).
۱۱. (نامیان و همکاران، بررسی تأثیر سبک زندگی در طراحی مسکن معاصر شیراز، ص. ۲۰۳).
۱۲. (باباخانی و همکاران، تأثیر متقابل سبک زندگی و مسکن و بازتاب آن در فضای داخلی، ص. ۱۶۱).
۱۳. (باباخانی و همکاران، تأثیر متقابل سبک زندگی و مسکن و بازتاب آن در فضای داخلی، ص. ۱۶۲).
۱۴. (رواسانی، دولت و حکومت در ایران در دوره تسلط استعمار سرمایه‌داری، ص. ۲۰).
۱۵. (نامیان و همکاران، بررسی تأثیر سبک زندگی در طراحی مسکن معاصر شیراز، ص. ۲۰۲).
۱۶. (حق‌شناس و حناچی، بررسی عوامل مؤثر بر تحول کالبدی خانه و فرهنگ زندگی در یک قرن اخیر ایران، ص. ۶۳).
۱۷. (حسینی، عوامل مؤثر بر سیر تغییرات معماری خانه‌های اصفهان در دوره پهلوی اول؛ گامی در شناخت معماری مسکونی و مطالعه ویژگی‌های طراحی، ص. ۵۲).
۱۸. (ابراهیمی و همکاران، بازتاب فرهنگ غرب در تحول سبک زندگی و معماری خانه‌های اواخر قاجار شهر همدان، ص. ۵۰۹).
۱۹. (همان، ۵۰۹).
۲۰. (رواسانی، دولت و حکومت در ایران در دوره تسلط استعمار سرمایه‌داری، ص. ۲۰).
۲۱. (رشیدی، دولت و حکومت در ایران در دوره تسلط استعمار سرمایه‌داری، ص. ۱۲۳).
22. (Bourdieu, Distinction: A social Critique of the Judgment of Taste)
۲۳. (محمدي و بیگ‌آبادی، ۱۳۸۹، ۱۰۲)

۲۴. (ابراهیمی و همکاران، بازتاب فرهنگ غرب در تحول سبک زندگی و معماری خانه‌های اواخر قاجار شهر همدان، ص. ۵۱۳).
۲۵. (اباذری و چاوشیان، از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی؛ رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناسی هویت اجتماعی، ص. ۱۴۹).
۲۶. (حق‌شناس و حناچی، بررسی عوامل مؤثر بر تحول کالبدی خانه و فرهنگ زندگی در یک قرن اخیر ایران، ص. ۶۳).
۲۷. (ابراهیمی و همکاران، بازتاب فرهنگ غرب در تحول سبک زندگی و معماری خانه‌های اواخر قاجار شهر همدان، ص. ۵۰۹).
۲۸. (صفری و همکاران، اعتراضات مردم به نوسازی شهری در دوره پهلوی اول، ص. ۱۷۶).
۲۹. (ابراهیمی و همکاران، بازتاب فرهنگ غرب در تحول سبک زندگی و معماری خانه‌های اواخر قاجار شهر همدان، ص. ۵۱۰).
۳۰. (صفری و همکاران، اعتراضات مردم به نوسازی شهری در دوره پهلوی اول، ص. ۳۰).
۳۱. (یزدانی و پوراحمد، تأثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی، نمونه تبریز، ص. ۳۳).
۳۲. (یزدانی و پوراحمد، تأثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی، نمونه تبریز، ص. ۳۳).
۳۳. (فاضلی، مدرنیته و مسکن، ص. ۴۰).
۳۴. (صفامنش و همکاران، ساختار کالبدی شهر تبریز و تحولات آن در دو سده اخیر، ص. ۴۵).
۳۵. (حسینی، عوامل مؤثر بر سیر تغییرات معماری خانه‌های اصفهان در دوره پهلوی اول؛ گامی در شناخت معماری مسکونی و مطالعه ویژگی‌های طراحی، ص. ۴۸).
۳۶. (قدیمی قیداری و محمدی، اندیشه و سیاست شهرسازی دوره رضاشاه و تأثیر آن بر تحولات کالبدی تبریز، ص. ۱۱۴).
۳۷. (فاضلی، مدرنیته و مسکن، ص. ۴۱).

منابع

فارسی

۱. اباذری، یوسف، چاوشیان، محسن (۱۳۸۱) «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی؛ رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناسی هویت اجتماعی»، نشریه نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صص. ۲۷-۳۰.
۲. ایازی، رعنا؛ ارمغان، مریم و شیدا خوانساری (۱۳۹۹) «بررسی رابطه بین سبک زندگی و نظام اشیای خانگی از دیدگاه بوردیو در مسکن معاصر (مطالعه موردی: زوج‌های جوان منطقه دو شهر قزوین)»، همایش علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، دوره بیست و دوم، شماره ۱۰، صص. ۱۷۷-۱۶۳.
۳. ابراهیمی، غلامرضا، سلطانزاده، حسین و غزال کرامتی (۱۳۹۶) «بازتاب فرهنگ غرب در تحول سبک زندگی و معماری خانه‌های اواخر قاجار شهر همدان»، نشریه باغ نظر، دوره چهاردهم، شماره ۴۷، صص. ۳۸-۲۹.
۴. ابراهیمی، غلامرضا، سلطانزاده، حسین و شروین میر شاهزاده (۱۳۹۶) «تأثیر نوگرایی سبک زندگی در معماری خانه‌های دوره پهلوی اول، شهر همدان»، نشریه مدیریت شهری و روستایی، شماره ۴۷، صص. ۵۲۲-۵۰۵.
۵. پراتی، ناصر (۱۳۸۲) «بازشناسی مفهوم خانه در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی»، نشریه خیال، شماره ۸، صص. ۵۵-۲۴.
۶. باباخانی، آگاپه، یزدانفر، عباس و سعید نوروزیان ملکی (۱۴۰۰) «تأثیر متقابل سبک زندگی و مسکن و بازتاب آن در فضای داخلی: مورد مطالعه، خانه‌های آرامنه در محله نارمک تهران»، نشریه تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۵۴، صص. ۱۵۳-۱۸۹.
۷. بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۰) تمایز، نقد اجتماعی، قضاوت‌های ذوقی، ترجمه حسن چاوشیان، نشر ثالث، تهران.

۸. حسینی، آذر افروز (۱۳۹۴) «عوامل مؤثر بر سیر تغییرات معماری خانه‌های اصفهان در دوره پهلوی اول؛ گامی در شناخت معماری مسکونی و مطالعه ویژگی‌های طراحی»، پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد معماری، گرایش مطالعات معماری ایران، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان.
۹. حق‌شناس، محیا؛ حناچی، پیروز (۱۳۹۹) «بررسی عوامل مؤثر بر تحول کالبدی خانه و فرهنگ زندگی در یک قرن اخیر ایران (موردپژوهی: تحولات الگوی خانه در شهر تاریخی لار)»، نشریه مطالعات معماری ایران، شماره ۱۷، صص. ۵۷-۷۶.
۱۰. رشیدی، احمد (۱۳۹۰) «مدرنیته و اصالت‌گرایی فرهنگی در روسیه و ایران»، نشریه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۱، صص. ۱۳۴-۱۱۵.
۱۱. رواسانی، شاپور (۱۳۹۰) دولت و حکومت در ایران در دوره تسلط استعمار سرمایه‌داری، نشر شمع، تهران.
۱۲. صفامنش، کامران؛ رشتچیان، یعقوب و بهروز منادی‌زاده (۱۳۷۶) «ساختار کالبدی شهر تبریز و تحولات آن در دو سده اخیر»، نشریه گفتگو، شماره ۱۸.
۱۳. صفری، سهیلا؛ شیخ‌نوری، محمد امیر و شهرام یوسفی‌فر (۱۳۹۳) «اعتراضات مردم به نوسازی شهری در دوره پهلوی اول (مطالعه اسناد عرایض مجلس شورای ملی - مجلس ششم تا هشتم)»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره ۱، صص. ۶۰-۲۹.
۱۴. علی‌پور، ربابه؛ محمودی، سید امیرسعید و آزاده امیر لطفی (۱۳۹۹) «بررسی ارتباط عوامل مؤثر بر سبک زندگی و کالبد خانه معاصر در شهر مشهد»، نشریه اندیشه معماری، سال چهارم، شماره ۸، صص. ۸۴-۶۹.
۱۵. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۶) «مدرنیته و مسکن»، نشریه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، صص. ۶۳-۲۵.
۱۶. قدیمی قیداری، عباس؛ محمدی، رضا (۱۳۹۹) «اندیشه و سیاست شهرسازی دوره رضاشاه و تأثیر آن بر تحولات کالبدی تبریز»، نشریه تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام. سال یازدهم، شماره ۲۵، صص. ۱۲۱-۸۹.
۱۷. موسوی، سبیده؛ طبعی، محسن و فاطمه مهدی‌زاده سراج (۱۳۹۹) «تأثیر دگرگونی شیوه زندگی بر کالبد معماری و تزیینات خانه‌های مشهد در دوره انتقال»، نشریه مدیریت شهری و روستایی، شماره ۵۸، صص. ۵۲-۲۹.
۱۸. مهدوی‌کنی، محمدسعید (۱۳۸۶) «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، نشریه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱.
۱۹. مهری، سودابه، سهیلی، جمال‌الدین و حسین ذبیحی (۱۳۹۹) «تأثیر سبک زندگی بر روابط فضایی خانه‌های اعیان‌نشین دوره قاجار در مازندران»، نشریه باغ نظر، دوره هفدهم، شماره ۹۳، صص. ۶۶-۵۱.
۲۰. نامیان، پریسا، پروا، محمد و هادی کشمیری (۱۴۰۰) «بررسی تأثیر سبک زندگی در طراحی مسکن معاصر شیراز»، نشریه سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، دوره پنجم، شماره ۱، صص. ۲۰۷-۲۰۲.
۲۱. یزدانفر، عباس، حسینی، باقر و مصطفی زرودی، (۱۳۹۲) «فرهنگ و شکل خانه (مطالعه موردی: خانه‌های سنتی شهرستان تنکابن و رامسر)»، نشریه مسکن و محیط روستا، دوره سی و دوم، شماره ۱۴۴، صص. ۳۲-۱۷.
۲۲. یزدانفر، عباس، ضرابی‌الحسینی، مهسا و زهره ناصر دوست (۱۳۹۵) الگوی مسکن ارومیه باتوجه‌به شیوه زندگی در گذر زمان، انتشارات وزارت راه و شهرسازی، تهران.
۲۳. یزدانی، محمدحسن؛ پوراحمد، احمد (۱۳۸۶) «تأثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی، نمونه تبریز»، نشریه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۴، صص. ۵۲-۲۹.

لاتین

24. Bourdieu, Pierre (1984) *Distinction: A social Critique of the Judgment of Taste*. Routledge.
25. Rappaport, Amos (1969) *House, Form and Culture*. Milwaukee. University of Wisconsin.
26. Rappaport, Amos (1998) «Using "Culture" in housing design». *Housing and Society*. 25(1/2). 1-20.

Consequences of lifestyle transformation in interior architecture*

(case study Qajar and Pahlavi houses of Tabriz city)

Leila Safari Asl¹

Abstract

The concept of the general and general economic lifestyle is a comprehensive and coherent collection that fosters social, cultural, and social components and is influential in the formation of behavioral patterns, mental tendencies, and the life atmosphere of the people of the society. Due to the fundamental changes in the structure of the community and the way of life during the Qajar and the first Pahlavi period, a direct and substantial connection between the way of life and the house's architecture. In this research, it is possible to study and examine the course of its impact on the houses of the Qajar and the first Pahlavi period in Tabriz city. has been prepared. Therefore, the purpose of this research is to know the influencing factors of society on the process of changes in life and architecture in the patterns of houses and to analyze and describe the differences. Thus, through a descriptive-interpretive method, through field and library observations, 45 houses from the Qajar and Pahlavi period of Tabriz city where it was possible to visit and collect documents, there is a selection and related investigations. In the next step, to achieve the goal of the research, the spaces (Courtyard, Entrance, Porch, Howzkhaneh, Tanbi, Kallhei, and Stairs) in the houses studied in the form of patterns of three physical systems (location, formal order, and access) and the ways they together were compared. Examination of the findings showed that despite the differences and changes that have gradually appeared in the houses of Tabriz since the middle of the Qajar period, the houses of the Qajar period have a strong connection with the traditions of the past and have a single spirit. In fact, it can be said that the process of changing houses intensified from the end of the Qajar period and especially the first Pahlavi period due to the change of government from Qajar to Pahlavi and the start of Reza Shah's authoritarian modernization. These changes were first revealed in the houses' outer shell and the house's non-main fronts and were gradually transferred to the house's main facades and components and spaces. In other words, it first appeared in the form of decorations in houses, and was done gradually by removing some spaces.

Keyword: lifestyle, house, Qajar, first Pahlavi, Tabriz

1. Master of Architecture, Iranian Architectural Studies, Faculty of Architecture, Faculty of Fine Arts, University of Tehran
Email: Safari.l@ut.ac.ir

* This article is taken from the author's senior thesis entitled "Investigation of the patterns and origins of the changes of the historical houses of Tabriz city during the Qajar and Pahlavi period," which was completed at the University of Tehran under the guidance of Dr. Pirouz Hanachi and advised by Dr. Saeed Khaqani and Dr. Ahad Nejad Ebrahimi.